



استاد حاج شیخ ابو الحسن شیرازی

در آبان ماه ۱۳۵۲، سرصدر بنیان کن مرگ، یکی از ارکان محکم وقوائم متن کاخ بلند پایه و قوی مایه علوم و معارف اسلامی ایرانی ما را در هم شکست و سبیل سهمگین اجل، یکی از عالمان و فیهان و حکیمان و محققان بارع و جامع را، که بقیه الماضین و خیر الموجودین زمان ما بود، همراه برد و چشم و گوش عاشقان و شیفتگان حقائق و معارف علمی و تحقیقی را، از دیدن چهره پاک مدرسی مؤمن و محقق و شنیدن کلام تابناک معلمی مخلص و متبع محروم و بی نصیب ساخت.

استاد حاج میرزا ابوالحسن شیرازی اعلی الله المقامه که در این ماه به رحمت ایزدی پیوست، بی هیچگونه سخن، یکی از افاضل دانشمندان و اجلای محققان مکتب قدیم و قوییم علوم و معارف اسلامی ایرانی بود که مسند ارشاد و هدایت دینی و مدرس افاضت و افادت علمی، هر دو را، رونق و جلاوشکوه و صفا میداد.

وی از خاندان فضل و تقوی بود. قبیله او، از پدرو نیا، همه از عالمان دین بودند. نیای بزرگش مولی فتح الله، فرزند مولی شکر الله، صاحب «تفسیر کبیر منهج الصادقین»، فاضلی و فقیهی نبیل و عالمی و متکلمی جلیل و محدث و مفسری شهیر بود که در زمان شاه طهماسب صفوی میزیست و بسال ۹۸۸ هجری قمری از دنیا بسرفت. وی از شاگردان علی بن حسن زوادی مفسر مشهور و مؤلف خلاصه المنهج و شرح نهج البلاغه بفارسی و ترجمه احتجاج شیخ طبرسی و زبدة التفاسیر بعربیسی

• در این شرح حال از اقوال شاگردان و بالاخص رساله آقای دکتر قوامی واعظ، شاگرد
مهم و فهم او استفاده شد. (د.ک)

است. جد بزرگش، مولی ابوالحسن مجتهد تهرانی، بانی مسجد ملا ابوالحسن معروف به «مسجد حوض» در پایتخت است که در تهران و اصفهان و نجف محضر درس عالمان و مراجع بزرگ شیعه، مانند حاج سید آقا و حاج محمد ابراهیم کلباسی و آقا سید علی رادک کرد و بقول مرحوم کلباسی «از حقیقت تقلید و تجزی رست و باوج استنباط و اجتهاد پیوست» و جالب حرمت انام و مرجع خاص و عام شد. جدش، مرحوم آخوند مولا غلامحسین، مردی عالم و متقی و جامع فنون، «موجود الخط و مجید الشعر و خوش طبع و بذله گوی» بود. پدرش حاج شیخ محمد، از عالمان و ریاضی-دانان، دارای حوزه تدریس و جلد مادریش، میرزا ابراهیم نواب، صاحب کتاب فیض الدموع بود. پس از چنین شجره ای مبارک، با حسب و نسبی اصیل و جلیل، عجب نیست اگر جوانه ای برومند و ارجمند و شاخه ای سایه گستر و بارور چون شعرانی رسته باشد. شعرانی، در سال ۱۳۲۰ هجری قمری، در تهران پای جهان نهاد و در حجر تربیت پدر عالم و فاضل خود و در مدرسه «فخریه» معروف «بخان مرو» و در مکاتب شهر قم مقدمات را بیاموخت. بعد علوم عقلی را نزد حکیم محقق، میرزا محمود قمی متخلص برضوان، و فقه را نزد شیخ آقا بزرگ ساوجبی و علوم ریاضی و هیئت و نجوم و عمل اسطرلاب و استخراج زیج را نزد پدر و نیز میرزا حبیب الله ذوالفقون فرا گرفت و آنگاه کمیت همت او آهنگ عراق ساخت و در نجف اشرف، مهد معارف اسلامی قرون اخیر، درس محدث فاضل المتقی سید ابی قراب خونسادی را درک کرد.

شعرانی، در زبان فرانسه و عبری دست داشت، بآن حد که از آن دوزبان اسنادات ممتع میبرد و کتابهایی بزبان پارسی ترجمه میکرد. علاوه او از شاگردان دارالفنون قدیم بود و دوره این مدرسه را بخوبی پایان برد، شعرانی پس از تکمیل معلومات در حوزه های علمی تهران و قم و نجف، در تهران رحل اقامت افکند و تا پایان عمر شریف هفتاد و سه ساله خود، بر زبان و شبان، در کار ارشاد و هدایت و افادت و افاضت بود و لحظه ای غافل و فارغ نماند و خوشبختانه از خود مصنفات و مؤلفات فراوان بجای گذاشت که هر یک، بجای خود، گنجینه ای نفیس از علوم و معارف تحقیقی اسلامی و از گرانبها ترین آثار زمان ماست.

وی در مقدمه ترجمه نفس المهموم حاج شیخ عباس قمی، درباره خود چنین نویسد: «چون عهد شباب بنحیصیل علوم و حفظ اصطلاحات و رسوم بگذشت، اقتداً با سلا فی السالحین من عهد صاحب منهج الصادقین، از هر علمی بهره گرفتم و از هر خرمنی توشه برداشتم. گاهی بمطالعه کتب ادب، از عجم و عرب و زمانی بدراست اشارات و اسفار و زمانی بتبع تناسیر و اخبار و وقتی بتفسیر و تحشیه کتب فقه و اصول و گاهی به تعمق در مسائل ریاضی و معقول تا آن عهد بسر آمد.

لقد طفت فی تلك المعاهد كلها و سرحت طرفی بین تلك المعالم

سالیان دراز شب بیدار و روز در تکرار، همیشه ملازم دفاتر و کرایس و پیوسته مرافق

اقدام و قراطیس بودم.»

استاد شعرانی مدتی بعنوان ناظر شرعیات دروزارت فرهنگ مشغول بود و از ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۴ عنوان مجتهد شورای عالی فرهنگ را داشت و مدت سی سال تمام در منزل و مدرسه عالی سه سالار و مدرسه مروی علوم معقول و منقول، از حکمت و فلسفه و اصول و کلام و فقه و حدیث و تفسیر و ریاضی و هیئت و نجوم و فلکیات (سطوح بتمامها) را تدریس میکرد و حوزة درس مفید بود و مطالب غامض علمی و حکمی و ریاضی را، بایان مثالهای مناسب و آماده و تقریرات روشن و ساده، بحدی تنزل میداد که برای همه قابل فهم و درک بود. موافقی هم که در مدرس نبود یا با اعمات در مسجد چاد خود (مسجد حوض) خلق راهدایت میکرد و بابتالیف و تحشیه کتب و یانوشتن پاسخ سئوالات مراجعان دینی و حل غواض و مشکلات علمی میرداخت و این شیوة مرضیه احیای معالم و عوارف دین و معارف را تا زمانی که جان در تن و رمق در بدن داشت، از دست رها نکرد. متأسفانه، از سال پیش، در نتیجه ابتلای بدیماری قلب و ریه و عارضه ضعف و نفاقت، مدتی در تهران و زمانی در شیراز بستری شد و چون بهبود دست نداد بناچار صبح روز دهم آبان ۱۳۵۲ بآلمان عزیمت کرد و در شهر هامبورگ، در بیمارستان «س. ر. ژ. ر. ژ.» بستری گردید. اما معالجات و درماندگی نرفتاد و شب یکشنبه دوازدهم آبان ۱۳۵۲، مطابق با ۷ شوال المکرم سال ۱۳۹۳ هجری مطابق سوم نوامبر سال ۱۹۷۳ میلادی، نیمه شب زندگی را بدرود گفت. روز چهارشنبه جنازه او بظهران حمل شد و بعد از ظهر روز پنجشنبه، در میان غم و اندوه جمعیتی کثیر از عارف و عامی و مراسم ساده و باشکوه تشییع و در جوار مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم الحسنی علیه السلام، روبروی باغ طوطی، مقبره خانوادگی زمردی، بخاک سپرده شد. از مرحوم آیت الله شعرانی هشت فرزند بجای مانده است، چهار پسر و چهار دختر، پسر بزرگ او آقای محمد شعرانی است دارای درجه عالی مهندسی در رشته صنایع چوب و جنگل و رشته کامپیوتر از آلمان.

از آثار کتبی استاد علامه شعرانی، قسمتی بچاپ رسیده و منتشر شده و قسمتی مخطوط است که باید انشاء الله بسمعی و همت از باب بصیرت و اصحاب معرفت، بچاپ برسد و انتشار یابد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

آنچه تاکنون بطبع رسیده است:

- ۱- تعلیق و جمع حواشی و تحقیق و تصحیح کتاب وافی مرحوم فیض کاشانی در سه جلد
- ۲- تعلیقات بر شرح اصول کافی ملا صالح در ۱۲ جلد
- ۳- حاشیه بر ارشاد القلوب دیلمی
- ۴- حاشیه بر مجمع البیان در ده جلد
- ۵- تصحیح کامل و حواشی مفید بر تفسیر صافی در ۲ جلد
- ۶- تعلیقات بر وسائل الشیعه از جلد شانزدهم تا جلد بیستم
- ۷- تصحیح و تحشیه جلد اول و سوم نوائس القنون و عرائس العیون
- ۸- تعلیقات و حواشی بر تفسیر کبیر منهج الصادقین در ۱۰ جلد
- ۹- مقدمه و حواشی و تصحیح کامل تفسیر ابوالفتوح در ۱۲ جلد
- ۱۰- شرح تجرید در علم کلام فارسی که شرح الشرح است و بیان دو عالم بزرگ خواجه نصیر الدین طوسی و شاگرد عالیقدرش

علامه علی الاطلاق ۱۱- شرح تبصره علامه حلی در ۲ جلد ۱۲- تصحیح خلاصه منهج الصادقین
 درشش جلد ۱۳- تصحیح ۶۰ نوع قرآن، بقطعیهای مختلف، با دقت نظر در خود آیات و
 ترجمه آنها و تصحیح و اعراب گذاری و رسم الخط، طبق منابع و مأخذ ۱۴- تحقیق و تصحیح
 جامع الروات ۱۵- ترجمه و شرح مفصل صحیفه کامله سجادیه بفارسی ۱۶- مقدمه و حواشی
 محققانه بر اسرار الحکم سبزواری ۱۷- ترجمه نفس المهموم مرحوم حاج شیخ عباس قمی بنام
 دمع السجوم ۱۸- ترجمه انتقادی الامام علی صوت المداله الانسانی ۱۹- تعلیقاتی بر کتاب
 محمد پیامبر و سیاستمدار تألیف پروفیسور مونت گمری وات انگلیسی ۲۰- ترجمه و شرح دعای
 عرفه امام حسین علیه السلام ضمیمه کتاب فیض الدموع ۲۱- مقدمه بر کتاب وقایع السنین خاتون آبادی
 ۲۲- مقدمه و تصحیح و تعلیقات بر روضه الشهداء ۲۳- مقدمه و تصحیح و تحقیق در مطالب کشف-
 الغمه و شرح حال مولف آن علی بن عیسی وزیر ۲۴- نثر طوئی یا لغات القرآن و بیان هر یک بترتیب
 حروف تهجی ۲۵- تجوید قرآن ۲۶- مقدمه و تصحیح منتخب التواریخ ۲۷- کتاب راه
 سعادت در اثبات نبوت و رد شبهات یهود و نصاری نشان تسلط استاد بر زبان عبری ۲۸- ترجمه
 هیئت فلاماریون از زبان فرانسه پیارسی ۲۹- اصطلاحات فلسفی ۳۰- تعلیقه و مستدرک تشریح
 الافلاک در اشاره به هیئت جدید موافق بازیج هندی ۳۱- فقه فارسی ۳۲- مناسک حج مشتمل بر
 واجبات حج تمتع و عمره و اقسام حج ۳۳- نظارت دقیق در چاپ تقویم های سالانه و تعیین اوقات
 شبانه روزی در ماههای مبارک رمضان هر سال.

آنچه تاکنون بطبع فرسیده است:

- ۱- حاشیه بر فصل الخطاب فی عدم تحریف الكتاب ۲- حاشیه کبیره بر قواعد و شرح
- مسائل دوریه از آن ۳- شرح کفایه در اصول بر طریقه قال اقول ۴- کتاب المدخل الی عذب المنهل
- در اصول ۵- رساله در شرح شکوک الصلوة من العروة الوثقی ۶- رساله فی الدرایه.

دریغ از عمر رفتہ

که می خواند سبب بندگی بارباب
 بروید گل و بشکفتد نو بهار
 بیاید که ما خاک باشیم و خشت

دو بیتم جگر کرد روزی کباب
 دریغ که بی مابی روزگار
 بی تیر و دی ماه و اردیبهشت

«شیخ اجل سیدی شیرازی. قرن هفتم»